فهرست مطالب

[موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسئله تقلید (مرجعیت شورایی) 2](#_Toc453489222)

[اشاره 2](#_Toc453489223)

[وجه شمول روایات مشورت در امور غیرتخصصی 2](#_Toc453489224)

[وجه شمول روایات مشورت در امور تخصصی 2](#_Toc453489225)

[دانش و علم مشاوره 3](#_Toc453489226)

[توجیه شمول روایات برای امور غیرتخصصی 4](#_Toc453489227)

بسم الله الرحمن الرحيم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسئله تقلید (مرجعیت شورایی)

# اشاره

مطلب نهمی که در اخبار مشاوره بود، این سؤال بود که؛ آیا مشاوره در این روایات اختصاص دارد به شور در مسائلی که شکل عمومی دارد و از امور تخصصی نیست، یا اینکه شامل امور تخصصی هم می‌شود.

آنچه قدر متیقن این اخبار هست؛ قسم اول است؛ یعنی مسائلی که شکل تخصصی ندارد، علم و دانش معینی ندارد، درعین‌حال مهارت‌ها و اطلاعات افراد متفاوت است، مثلاً تحقیق در امر ازدواج یا شغل و ...

در قسم اول بعد از مشورت نهایتاً تصمیم با فرد است، امکان دارد؛ تصمیم این فرد با مطلب مستشار منطبق نباشد، برای اینکه به‌گونه‌ای است که خود فرد هم می‌تواند مسئله را درک کند.

اگر مسئله تخصصی باشد، فرد به لحاظ عقلایی حق ندارد هر طور که می‌خواهد تصمیم بگیرد، بلکه نظرش را باید مبتنی بر نظر کارشناس کند.

آیا قسم دوم مشمول روایات می‌شود یا نه؟ برای هر یک از دو احتمال؛ وجهی وجود دارد:

 1ـ شمول اخبار مشاوره شامل امور اجتماعی که نهایتاً خود فرد تصمیم می‌گیرد و هم شامل اموری است که فرد باید نظرش مبتنی بر نظر کارشناس باشد و جاهل به عالم رجوع می‌کند.

2ـ اختصاص اخبار به قسم اول است؛ یعنی همگان نسبت به مسئله می‌توانند نظر بدهند و خود شخص هم یختار ما یشاء.

## وجه شمول روایات مشورت در امور غیرتخصصی

وجه برای احتمال اول که شمول باشد؛ این است که؛ در لغت و واژه مشورت چیزی دیده نشده که معنا را محصور در قسم اول بکند، برای اینکه مشورت در لغت ؛ یعنی تلاش برای اینکه رأی دیگری را به دست بیاورد، ریشه اصلی‌اش هم شرط العسل بوده است؛ یعنی با موم دست‌وپنجه نرم می‌کند که عسل را از آن بیرون بیاورد، اینجا هم درواقع باکسی وارد گفتگو و تبادل‌نظر می‌شود؛ تا حرف و رأی او را در مسئله‌ای استخراج بکند، مشورت یعنی استخراج رأی دیگری، به دست آوردن رأی دیگری، اگر در این حد از معنای لغوی باشد؛ شاید شمولش درست باشد، برای اینکه در آنجایی هم که کارشناس است، سراغ آن کارشناس می‌رود که رأیش را به دست بیاورد، در آنجایی هم که بحث کارشناسی تخصصی نیست، از دیگران مشورت می‌گیرد، در این قسم هم همین‌طور است که رأی دیگری را به دست می‌آورد.

درنتیجه اطلاق روایات مشاوره هر دو را در برمی‌گیرد.

## وجه شمول روایات مشورت در امور تخصصی

وجه برای احتمال دوم که اختصاص است؛ این است که؛

 1ـ بگوید ادله انصراف دارد، کلمه شور و مشاوره و استشاره و ... که در روایات دیده می‌شود؛ انصراف دارد به آنجایی که؛ خود شخص و دیگران هم نظراتی دارند، باهم مشورت می‌کنند و به یک نتیجه‌ای می‌رسند.

 2ـ جایی که فرد جاهل است و به عالم مراجعه می‌کند، منصرف از استشاره است، مثل جایی که فرد ماشین خراب‌شده و به مکانیکی مراجعه می‌کند، برای اینکه مشورت مفروض گرفته‌شده است که؛ گویا خود فرد هم یک‌چیزی از مطلب را درک می‌کند و دیگری هم یک مقدار از این مطلب را می‌فهمد، باهم مشورت می‌کنند که مطلب روشن بشود.

انصراف یا در ترکیب این جمله‌ها هست یا حتی ممکن است انصراف در مفرد و مفهوم تصوری مشورت باشد، مثلاً خود مفهوم مشورت انصراف به‌جایی دارد که حالت تبادل رأیی وجود دارد، اما آنجایی را که؛ مراجعه از جاهل به عالم و یک‌طرفه است را در برنمی‌گیرد.

شاهد اینکه وجه اول را ترجیح بدهیم، این است که؛ مسئله امر تخصصی نیست، به مجموعه اطلاعات شخصی وابسته است، گاهی اوقات در مسائل غیرتخصصی شخص اطلاعی ندارد، به این فرد گفته می‌شود که مشورت کن، بعضی‌اوقات در مشورت غیرتخصصی؛ شخص حالت جاهل را دارد، مثلاً در امر ازدواج نمی‌داند که این افرادی چطور طبع یا رفتاری دارند.

فرضی دیگری هم هست که عالمان در یک مسئله عالم هستند، منتهی احتمال می‌دهد که عالمان دیگر هم نکته‌ای اضافه بر این داشته باشد که در این صورت هم می‌گوید مشورت بکن.

بعید نیست که احتمال تعمیم مفهومی و صدق شمول این روایات را نسبت به موارد عمومی و هم موارد کارشناسی را بپذیریم.

تعبیر مفاعله‌ای مشاوره طرفینی و «**شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا**»[[1]](#footnote-1)؛ اختصاص به اولی دارد و آن این است که فرد یک مقدار اطلاعاتی دارد و با افراد دیگر که مقداری از آن مسئله را می‌داند مشورت می‌کند و به یک نتیجه روشنی می‌رسند و آیه «**أَمْرُهُمْ شُورى‏ بَيْنَهُم**‏»(شوری/38) هم شامل این قسم می‌شود، لذا ممکن است بعضی از روایات که این نوع مفاهیم تفاعلی یا مفاعله و مشارکت دارد؛ منصرف از مراجعه جاهل به عالم باشد، اما آنجایی که ویژگی تفاعلی نیست، بعید نیست که بگوییم مفهوم استشاره شامل آن نوع مشورت می‌شود، روایات هم که بعضی عنصر مشارکت دارد اختصاص به قسم اول پیدا می‌کند، بنابراین بعضی از روایات عنصر مشارکت نیست، شمول دارد و مراجعه جاهل به عالم را در برمی‌گیرد.

# دانش و علم مشاوره

مطلب دهم این است که؛ در دنیای امروز دانشی هست به نام دانش مشاوره.

فن مشاوره در دنیای امروزی یک مفهومی جنسی است، به لحاظ متعلق مشاوره که طیفی را در برمی‌گیرد؛ بعضی از بخش‌هایش هنوز همان شکل مشاوره به معنای حالت‌های متعارف عادی دارد، بعضی هم حالت فن و مهارت‌های منسجم دارد و بعضی در حد علم است که شامل انواع فنون و مهارت‌ها و علم‌ها شده است، آیا این نوع مشاوره هم ربطی به روایات دارد یا ندارد، پاسخ این است که؛ اگر مشاوره انصراف دارد به استشاره‌هایی که خود شخص مقداری از مسئله را می‌داند و دیگران هم مقداری از این مسئله اطلاع دارند؛ مشورت می‌کنند و به یک نتیجه مطلوب می‌رسند، در این صورت شامل مشاوره‌های علمی و فنی نمی‌شود، اما اگر بگوییم شمول دارد، طبعاً مفهوم نوعی عام است که شامل آن‌هم می‌شود، اما خصوصیت مراجعه جاهل به عالم در این مفهوم اخذ نشده است، چون گفته می‌شود که مفهوم عامی دارد که این هم در برمی‌گیرد، اینکه بگوییم مشاوره‌هایی که در روایات است؛ فقط مخصوص مشاوره علمی امروز است، حرف درستی نیست، برای اینکه حداکثر این است که استشاره‌ها و مشاوره‌ها؛ معنای عام دارد که در دانش مشاوره باید از آن‌ها استفاده بشود، اما نه به‌عنوان چیز خاصی که اسلام آن را در باب مشاوره آورده باشد.

 نمی‌توان به اسلام نسبت داد که مشاوره به معنای خاص آورده باشد، ممکن است برای معنای خاصش چیزی پیدا بشود، اما اینجا معنای عام هست که بر این معنا می‌تواند انطباق پیدا بکند.

بنابراین مشاوره دنیای امروزی با مشورتی که یک امر معارفی دین هست را نمی‌تواند گفت که مساوی هستند، بلکه بنابر یک احتمال عام هست که می‌تواند این عام آن را هم در بربگیرد.

مفهوم مشاوره بنا بر یک احتمال تباین است، برای اینکه مشاوره برای امور عمومی هست و مشاوره امروزی علم است، بنابر احتمال تعمیم؛ عام و خاص می‌شود، حتی اگر این دو مفهوم مطلق و مقید بشود، به‌طور خاص در روایات موردتوجه قرار نگرفته است؛ بلکه از منظر عمومی موردتوجه قرارگرفته است.

یک احتمال دیگری که اینجا وجود دارد این است که؛ مراجعه جاهل به عالم را نمی‌گیرد، ولی مراجعه انسان‌های هم‌سطح را در برمی‌گیرد.

# توجیه شمول روایات برای امور غیرتخصصی

وجه یازدهم این است که؛ اگر کسی بگوید مشاوره عموم ندارد، شامل مراجعه جاهل به عالم نیست، بعید نیست که دربند یازدهم بگوییم که؛ لااقل حالت میانه‌ای دارد که شامل روایات است، بگوییم ملاک شمول این مفهوم این است که؛ انسان‌هایی که به شور می‌پردازند؛ اگر فی جمله صلاحیت فکر و تأمل در مسئله را داشته باشند که در این صورت هم موارد عمومی را و هم مسائل تخصصی را می‌گیرد، منتهی مادامی‌که این گفتگو میان متخصصان فن است، مباحثه علمائی را به نحوی در برمی‌گیرد، اگر این مطلب را بپذیریم؛ شامل مشاوره بین علما هم می‌شود.

1. - نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: 500. [↑](#footnote-ref-1)